

بررسی نگرش کشاورزان نسبت به آثار یکپارچه سازی اراضی در استان کرمانشاه: کاربرد روش شناسی Q

امیرحسین علی بیگی، و رضوان قمبرعلی^{*۱}
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۹)

چکیده

پراکندگی و کوچک بودن اراضی، یکی از عناصر ساختاری سنتی کشاورزی کشور است که امروزه به یکی از موانع اصلی توسعه کشاورزی تبدیل شده است. برای رفع مشکلات و عوارض ناشی از پراکندگی اراضی، برنامه ریزان کشاورزی راه حل منطقی و قابل اجرای یکپارچه سازی اراضی را توصیه می کنند که سیاستی در ارتباط با تغییر اندازه زمین برای بهبود تولید محصولات کشاورزی است. اجرای طرح یکپارچه سازی اراضی آثار و پیامدهای مختلفی را به دنبال دارد. هدف کلی این تحقیق نیز شناسایی آثار یکپارچه سازی اراضی از منظر کشاورزان با استفاده از روش شناسی Q در استان کرمانشاه می باشد. با استفاده از نمونه گیری هدفمند، ۳۱ کشاورز جهت مشارکت در تحقیق انتخاب شدند. از مشارکت کنندگان خواسته شد ۳۶ گویه را که نماینده عقاید موجود در مورد پیامدها و آثار یکپارچه سازی بودند رتبه بندی نمایند. نتایج نشان داد کشاورزان به گونه های متفاوتی آثار یکپارچه سازی را ارزیابی می کنند. ۵۳ درصد از کشاورزان یکپارچه سازی را مثبت ارزیابی کردند و ۲۲ درصد نیز معتقد بودند این طرح اثرات منفی به دنبال دارد. آن ها مهمترین مشکل اجرای طرح های یکپارچه سازی را عدم مشارکت کشاورزان در مرحله برنامه ریزی می دانستند. بر اساس روش شناسی Q، سه گروه افراد با دیدگاه های متفاوت در مورد یکپارچه سازی وجود دارند که عبارتند از محیط زیست گراها، اقتصادگراها و اجتماع گراها.

واژه های کلیدی: یکپارچه سازی، روش شناسی Q، پراکندگی اراضی، توسعه کشاورزی.

۱ - به ترتیب دانشیار، و دانشجوی دکترا، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

*- مسئول مکاتبات، پست الکترونیکی: baygil@razi.ac.ir

مقدمه

انسان، در گذر تاریخ، به عنوان عاملی موثر در تغییر شکل زمین و به طور کلی طبیعت بوده است. در زمینه نظام‌های بهره‌برداری از زمین نیز بشر به سبب سوق دادن اراضی به سمت آنچه که مطلوب خویش می‌باشد گام‌های متعددی برداشته است که این حرکت‌ها همانند سایر اعمال بشر همراه با جنبه‌های مثبت و منفی بی‌شماری بوده است (Lisec et al., 2005). یکی از معضلاتی که به سبب دست بردن بشر در نظام طبیعت در جهت خواست مطلوبیت‌های او به وجود آمده، چندپارچگی اراضی زراعی است که شاید در ابتدای امر همسو با مطلوبیت‌های انسان بوده، ولی گذشت زمان آثار سوء این پدیده را تأیید کرده است. چنین آرایشی از اراضی (تعداد قطعات و شکل نامنظم) در نظام تولید کشاورزی را شاید بتوان حتی یک فرصت و عامل مؤثر در شکل‌گیری کارکردهای مثبت نظام سنتی نیز به شمار آورد (Gajendra et al., 2005). اما در شکل‌گیری نظام‌های جدید تولید در بخش کشاورزی و به کارگیری فناوری و مکانیزه شدن مراحل مختلف فرایند تولید کشاورزی (کاشت، داشت و برداشت)، پراکندگی نامنظم قطعات یک عامل بازدارنده قلمداد گردیده که کاهش بهره‌وری و افزایش هزینه‌های تولید را به همراه داشته است (توسلی، ۱۳۷۸). به دلایل مذکور، نیاز به یکپارچه‌سازی اراضی در بخش کشاورزی به عنوان یک ضرورت محسوب می‌شود. منظور از یکپارچگی اراضی انتقال مالکیت زمین‌های پراکنده یک مالک در نقاط مختلف به نقطه‌ی معینی است که مساحت آن برابر مجموع زمین‌های پراکنده باشد (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴). به طور کلی، هدف اصلی چنین سیاستی یکپارچه کردن قطعات پراکنده و به حداقل رساندن آن‌هاست. بنابراین، اجرای فرایند مذکور می‌تواند بدون سیاست اصلاحات ارضی (مثلاً در هندوستان) یا سیاست‌های اصلاحات ارضی مبتنی بر توزیع مجدد زمین بزرگ مالکان به صورت برابر میان دهقانان (مثلاً در دانمارک در خلال سال‌های ۱۷۷۰-۱۸۶۵ و ایرلند در سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۴۰) باشد (ابوالقاسمی، ۱۳۷۸؛ کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴). یکپارچه‌سازی اراضی یکی از اجزای مهم توسعه‌ی

روستایی و کشاورزی با هدف عمده‌ی بهبود اراضی کشاورزان و متمرکز کردن آن‌ها در کمترین تعداد قطعه است (Lisec et al., 2005). یکپارچه‌سازی زمین‌ها در پاره‌ای از کشورهای اروپایی مثل هلند و اسپانیا به دهه‌های اولیه قرن بیست و در فرانسه به قرن نوزدهم برمی‌گردد (Hartvigsen, 2005). بسیاری از کشورهای اروپای غربی قدمت طولانی برای یکپارچه‌سازی اراضی دارند. در دانمارک، برنامه یکپارچه‌سازی اراضی ریشه در ۲۰۰ سال قبل از اصلاحات ارضی در سال ۱۷۸۰ دارد زمانی که استفاده مشترک از زمین کشاورزی در روستاها به مالکیت خصوصی و مزارع خانوادگی خصوصی اصلاح یافت (Hartvigsen, 2005). فرایند یکپارچه‌سازی اراضی زراعی در کشورهایی چون آمریکا، کانادا و ژاپن نیز همگام با رشد و توسعه نظام سرمایه‌داری در راستای صنعتی شدن، ضروری تشخیص داده شد (Ahmadi & Amini, 2001). فرایند یکپارچه‌سازی اراضی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و یا در حال توسعه به لحاظ وضعیت جغرافیایی، میزان رشد اقتصادی و توسعه صنعتی، سابقه کمتری دارد. در ایران، تلاش در جهت جلوگیری و رفع معضل پراکندگی اراضی به سال‌های پایانی اصلاحات ارضی در قبل از انقلاب برمی‌گردد. در آن مقطع تشکیل واحدهای بهره‌برداری حقوقی، همچون شرکت‌های سهامی زراعی، کشت و صنعت‌ها و شرکت‌های تعاونی تولید در دستور کار قرار گرفت. این الگوها اگرچه در نهایت به دلیل مشکلات عمدتاً اجتماعی نتوانستند به اهداف از پیش تعیین شده خود دست یابند، ولی یکپارچه‌سازی اراضی فراموش نشد و کماکان بعد از انقلاب نیز ادامه یافت، به طوری که با تصویب لایحه واگذاری اراضی مصوب شورای انقلاب به وسیله هیأت هفت نفره این تفکر دوباره به صورت جدی دنبال شد و امروزه نیز کوشش سیاست‌گذاران بخش کشاورزی در راستای تشویق کشاورزان به تشکیل تعاونی‌های بزرگ تولید ادامه دارد (احمدی، ۱۳۸۵).

مطالعات متعددی در زمینه آثار یکپارچه‌سازی اراضی انجام شده است که مؤید آثار مثبت آن در توسعه و بهبود وضعیت کشاورزی به لحاظ افزایش تولید محصولات

روستایی می‌کند (Lerman & Deininger, 2003; Shagaida, 2007; Lerman, 2006). در مجموع پیامدهای مثبت یکپارچه‌سازی اراضی با آثاری مثل افزایش بهره‌وری مزرعه، افزایش روحیه‌ی تعاون، کاهش اختلافات قبیله‌ای و کاهش هزینه‌ی فرصت‌های از دست رفته شناخته شده است. اما در کنار چنین مسائلی، تجارب یکپارچه‌سازی در بعضی موارد شاهد جنبه‌های منفی نیز بوده است. در کنار موافقان یکپارچه‌سازی، افرادی با توجه به جنبه‌های منفی یکپارچه‌سازی مسائلی مثل آسیب‌های زیست‌محیطی، شامل آسیب‌های وارد آمده به چشم‌اندازهای روستایی را بیان می‌کنند و بررسی پیامدهای یکپارچه‌سازی را ضروری می‌دانند. ابراهیمی و همکاران (۱۳۸۷) به بررسی مزایا و معایب طرح تجهیز و نوسازی اراضی شالیزاری استان گیلان پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که اجرای این طرح با پیامدهای منفی در ابعاد مختلف همچون: کاهش محصول در سال اول به دلیل به هم خوردن تعادل خاک زراعی، مهاجرت نیروی کار به دلیل افزایش بیکاری ناشی از اجرای طرح، کاهش بخشی از زمین به دلیل ایجاد نهرهای آبیاری زهکشی و جاده‌های دسترسی در بعد اقتصادی، عدم تحویل به موقع زمین به کشاورزان در سال اول و در نتیجه ایجاد نارضایتی در آنان، از بین رفتن رسم و رسومات محلی به خصوص در حیطه همکاری‌های دسته جمعی، تقسیم مجدد زمین و ایجاد مرزهای اضافی و ایجاد نارضایتی برای کشاورزان صاحب زمینی که در کنار جاده‌های اصلی قبل از اجرای طرح بوده‌اند در بعد اجتماعی و تهدید ناشی از ایجاد زمینه برای کاهش سطح ارقام محلی و خطر کاهش تنوع ارقام و خطر از بین رفتن تنوع زیستی، تغییر کاربری اراضی به دلیل ایجاد دسترس‌های مناسب به خصوص جاده و ایجاد فشردگی در خاک زراعی سطحی در بعد زیست‌محیطی و به هم خوردن تعادل موجود جامعه دهقانی در شیوه تولید و عدم جایگزینی یک شیوه مناسب در بعد نهادی، رو برو می‌باشد. تجارب کشورهای غرب اروپا و هم چنین اسلوانی نشان می‌دهد که یکپارچه‌سازی اراضی منحصراً به افزایش بهره‌وری بدون در نظر گرفتن جنبه‌های زیست‌بوم

کشاورزی و بهبود سطوح درآمدی کشاورزان است. بر اساس مطالعات گذشته، برخی از آثار یکپارچه‌سازی اراضی عبارت از کاهش هزینه طرح‌های زراعی، افزایش درآمد سالانه، افزایش مساحت مفید مزرعه، افزایش بازدهی نیروی کار، استفاده از فنون صحیح زراعی و در نتیجه افزایش تولیدات کشاورزی درآمد واحدهای زراعی، صرفه‌جویی در استفاده از ادوات و ماشین آلات کشاورزی، جلوگیری از اختلافات احتمالی و افزایش امنیت اجتماعی روستاییان است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۸؛ ازکیا، ۱۳۷۴؛ Vitikinent, 2004; Kopeva & Noev, 2005; (Gajendra et al., 2005). در تحقیقی (Gonzales, 2007) در اسپانیا نشان داده شده که برنامه‌های یکپارچه‌سازی گامی مهم در جهت بهبود کارایی نیروی کار و بهره‌وری بهینه از اراضی کشاورزی می‌باشد. گور و همکاران (2003) طی مطالعه‌ای که به بررسی آثار یکپارچه‌سازی پرداختند به این نتیجه رسیدند که یکپارچه‌سازی اراضی باعث کاهش هزینه‌های تولید، تأمین نیازهای تغذیه‌ای، متعادل کردن رابطه بین کشاورزی و طبیعت، افزایش درآمد کلی، کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری کشاورزی و افزایش اثربخشی، توسعه هوشیاری اجتماعی و رفتارهای دموکراتیک، حفاظت از زمین‌های کشاورزی، طبیعت و منابع روستایی و بهبود شرایط زندگی نواحی روستایی می‌گردد. در همین زمینه، اولدنورگ (1990) طی مطالعه‌ای که در ایالت پاراداش هند انجام داد، گزارش می‌کند که برنامه یکپارچه‌سازی، وابستگی اقتصادی و استثمار کشاورزان کوچک و حاشیه‌ای را کاهش می‌دهد و همین‌طور ریسک‌پذیری اقتصادی آنها را افزایش می‌دهد. به نقل از لرم (2006) کشاورزان با داشتن ۱۱ هکتار زمین به طور متوسط در مقایسه با کشاورزانی که کمتر از ۵ هکتار زمین داشتند از رفاه بیشتری برخوردار بودند. بنابراین استاندارد زندگی زارعان با افزایش اندازه مزرعه افزایش می‌یابد. این موضوع در پیمایش‌های دیگر در کشورهای دیگر نیز تأیید شده است. نتایج تحقیق دیگری نیز نشان می‌دهد که مزارع بزرگتر درآمد خانوادگی بیشتری نسبت به مزارع کوچکتر تولید می‌کنند و بنابراین افزایش اندازه مزرعه کمک مثبتی به رفاه جمعیت

مثبت و منفی یکپارچه‌سازی اراضی از دیدگاه کشاورزان از روش شناسی Q استفاده می‌شود.

روش پژوهش

در روش شناسی Q دیدگاه‌ها و وجه نظرهای مردم بدون اینکه از قبل در قالب پرسشنامه تعریف شوند، شناسایی می‌گردند و پژوهشگر قدرت انحصاری خود در معنا بخشیدن به واقعیات موجود را از دست می‌دهد (Robbins & Krueger, 2000). این روش، ابزار قوی برای شرح ذهنیت پاسخگویان در مورد موضوع مورد نظر می‌باشد. در روش‌های پیمایشی معمول، محقق بر اساس اهداف و سؤال‌ها، ابزار تحقیق (پرسشنامه) را طراحی می‌کند و بنابراین این محقق است که ابزار را طراحی می‌کند و محقق به موضوع تحقیق از دیدگاه خود می‌نگرد. در این روش‌ها نظرات محقق در قالب پرسشنامه مطرح می‌شود و از یک ساختار از قبل مشخص شده برخوردار است و پاسخگویان آزاد نیستند که نظرات خود را بیان کنند. این محدودیت‌ها زمانی جدی می‌شود که محقق به دنبال ذهن پاسخگویان است چرا که پرسشنامه نمی‌تواند به طور واقعی نشان دهد که مردم چه فکری می‌کنند. اما روش شناسی Q از استانداردها و هنجارهای پرسشنامه به دور است. محقق در ذهنیت پاسخگویان دخالت ندارد. مردم قادرند ذهنیت و دیدگاه‌شان را به محقق نشان دهند. هدف اصلی این روش، آشکار ساختن الگوهای مختلف تفکر در بین افراد است، نه شمارش تعداد افرادی که تفکرات مختلفی دارند. ویژگی فوق، این روش شناسی را به روش‌های تحقیق کیفی نزدیک می‌سازد. با وجود این، روش شناسی Q از بعد کمی نیز برخوردار است، زیرا از روش‌های آماری مانند تحلیل عاملی و تحلیل مؤلفه‌های اصلی برای دسته‌بندی افراد کمک می‌گیرد (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶). شیوه نمونه‌گیری نیز در این روش متفاوت است. در اینجا به جای نمونه‌گیری تصادفی (و حجم نمونه بزرگ)، از نمونه‌گیری هدفمند (و حجم نمونه کوچک) استفاده می‌شود و این‌گونه اذعان می‌شود که اگر فردی دارای نقطه نظر متفاوتی بود، همین امر دلیل کافی برای ورود او به عنوان عضو نمونه است. روش شناسی Q به طور

شناختی تمرکز کرده است و به سادگی منجر به پیامدهای منفی شده است.

در واقع تجربه غرب اروپا نشان می‌دهد که یکپارچه‌سازی بدون در نظر گرفتن جنبه‌های فرهنگی و بوم‌شناختی در نهایت منجر به از دست رفتن تنوع طبیعت، فرسایش خاک و تخریب محیط‌زیست می‌شود (Lisec & Pintar, 2005). به طور مثال در آلمان یکپارچه‌سازی حدود ۱۸ درصد فضای پرندگان، ۱۷ درصد پروانه‌ها و بالغ بر ۱۰۰ فضای گیاهی از چشم‌اندازهای کشاورزی را نابود کرده است (Lisec & Pintar, 2005).

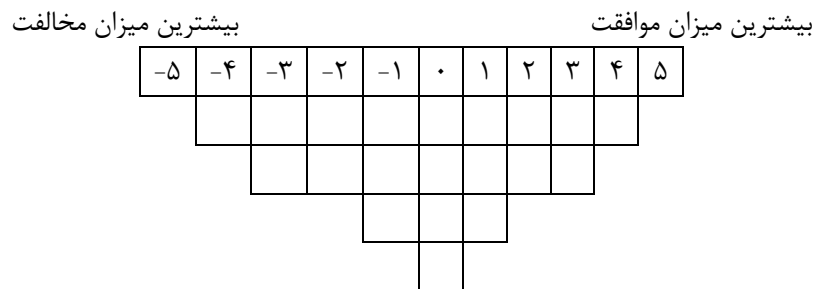
در بعضی از کشورهای اتحادیه اروپا، یکپارچه‌سازی مشکلات جدی را همچون آلودگی خاک، آب و هوا و کاهش تعداد حیوانات و گیاهان وحشی را در پی داشته است. همچنین یکپارچه‌سازی نامناسب به عنوان یکی از دلایل اصلی کاهش تنوع زیستی، فرسایش بادی، آبی و پایین آمدن ذخیره آب شناخته شده است (Lisec et al., 2005). شواهد نشان می‌دهد روش‌های رسمی یکپارچه‌سازی اراضی که نگرش و دیدگاه کشاورزان را نادیده می‌گیرند احتمال بیشتری دارد که به شکست منجر شوند. یکی از مهم‌ترین عامل‌ها در موفقیت برنامه یکپارچه‌سازی اراضی و پایداری آن در آینده درگیری رضایت بخش کشاورزان در پروژه است (Maghsodi et al., 2008). به طور کلی همه بحث‌ها و راه‌ها در توسعه روستایی در نهایت به مردم محلی ختم می‌شوند. به بیان دیگر، بدون مشارکت مردمی و نقش تعیین کننده آن‌ها در این طرح‌ها عملاً یا توسعه انجام نمی‌گیرد و یا در نهایت به بن‌بست خواهد رسید، بنابراین موفقیت یا عدم موفقیت را باید در حضور یا عدم حضور مردم جستجو کرد (بقایی و همکاران، ۱۳۸۷). بنابراین با توجه به مطالب مذکور، اهمیت بررسی دیدگاه و نگرش کشاورزان نسبت به فرآیند یکپارچه‌سازی اراضی و آثار و پیامدهایی که به جا می‌گذارد بیش از پیش احساس می‌شود.

مطالعاتی که تاکنون در رابطه با بررسی آثار یکپارچه‌سازی اراضی انجام گرفته است در اکثر موارد از روش‌های پیمایشی استفاده کرده‌اند اما در اینجا برای شناسایی آثار

معمولا با مصاحبه با شرکت‌کنندگان همراه است. مصاحبه‌ای که در آن پاسخگویان شیوه رتبه‌بندی خود را تشریح می‌کنند. این کار نیز به تفسیر عوامل کمک می‌کند. برای منعکس کردن تمام عقاید و نظرات موجود در مورد آثار یکپارچه‌سازی اراضی، حدود ۱۷۰ عبارت از منابع مختلفی چون گزارش‌های موجود در سازمان جهاد کشاورزی استان کرمانشاه، مذاکره با کارشناسان دخیل در این امر در استان کرمانشاه، مقالات نشریات علمی و روزنامه‌ها جمع‌آوری شد. تعریف فضای گفتمان تقریبا مرحله آسانی بود، چرا که در زمینه یکپارچه‌سازی اراضی گفتگوها، مباحث و نوشته‌های متعددی وجود دارد. به منظور کاهش مجموعه Q به مجموعه‌ای قابل مدیریت، دو نفر از کارشناسان و سه نفر از کشاورزان صاحب تجربه در زمینه یکپارچه‌سازی، هر کدام جداگانه، عبارات گردآوری شده را بررسی کرده و در نهایت ۴۵ عبارت باقی ماند. عبارات باقی مانده با عبارات اولیه توسط دو نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه رازی بررسی شد تا موارد تکراری و از قلم افتاده مشخص شود. در نهایت تعداد ۳۶ عبارت مشخص و واضح شناسایی شد. به منظور تشکیل نمونه P، با بحث و گفتگو با مسئولان و کارشناسان امر یکپارچه‌سازی اراضی در سازمان جهاد کشاورزی استان، ۴۰ نفر کشاورز سرشناس در این زمینه از سراسر استان و به اذعان کارشناسان مربوطه، دارای دیدگاه‌های ارزشمند موافق و مخالف در زمینه یکپارچه‌سازی شناسایی شدند که با تماس با آن‌ها تنها ۳۱ نفر از آن‌ها قابل دسترس بوده و حاضر به مشارکت در انجام تحقیق شدند. مصاحبه با اعضای نمونه P هر کدام حدود یک و نیم تا دو ساعت به طول انجامید. هدف اصلی این مرحله مرتب‌سازی در نمودار Q بود. به عبارت دیگر کشاورزان منتخب می‌بایست عبارات موجود که هر کدام بر روی یک کارت مقوایی کوچک درج شده بودند را درون یک جدول بزرگ به شکل توزیع تقریبا نرمال زنگوله‌ای شکل ۳۶ خانه‌ای به نام نمودار Q جای‌گذاری می‌کردند. البته قبل از شروع به مرتب‌سازی از آن‌ها خواسته شد تا نظر خود را در مورد آثار مختلف یکپارچه‌سازی اراضی بیان کنند. هم‌چنین آن‌ها دلایل نحوه مرتب‌سازی خود به ویژه در مواردی که

کلی دارای شش مرحله است (Davies & Hodge, 2007). مرحله اول تعریف فضای گفتمان (Concourse) است که شامل تمامی عقاید و اظهارات موجود در زمینه موضوع مورد تحقیق (در اینجا آثار یکپارچه‌سازی) می‌باشد. تعریف فضای گفتمان شامل تعیین منابع دست اول و دوم و شفاهی و نوشتاری در برگیرنده عقاید، نظرات، ارزش‌ها و نگرش‌های متفاوت موجود در مورد موضوع تحقیق است. در مرحله دوم از فضای گفتمان تعریف شده، مجموعه عبارات و جملات در برگیرنده نظرات متنوع و مختلف گردآوری می‌شود. این عبارت باید بازگوکننده تنوع در فضای گفتمان باشد (مرحله اول) باشد. این مجموعه بزرگ که می‌تواند شامل موارد تکراری و کم ارتباط باشد را باید به تعداد محدودی (و البته با حفظ تنوع در ایده‌ها، عقاید و نظرات) که قابل مدیریت باشد کاهش داد (معمولا کم‌تر از ۶۰ مورد). تعدادی که قادر باشد ابعاد مختلف فضای گفتمان را در خود منعکس سازد. در صورت امکان باید لغت‌بندی عبارات منتخب عین لغت‌بندی عبارات اولیه باشد و همان معنا و مفهوم را منتقل کند. به مجموعه به دست آمده مجموعه Q (Q deck) گویند. مرحله سوم به تعیین نمونه‌ای از پاسخگویان که به نمونه P (person-sample) مشهور است اختصاص دارد. همان‌گونه که اشاره شد در روش شناسی Q از نمونه‌گیری هدفمند استفاده می‌شود. در این روش، نمونه P تا حد ممکن باید دربرگیرنده افراد با دیدگاه‌ها و نظرات متفاوت و متنوع باشد. در مرحله چهارم، پاسخگویان کار رتبه‌بندی Q که به معنای مرتب کردن عبارات انتخاب شده بر اساس میزان اهمیت یا میزان موافقت با آن‌ها است، را انجام می‌دهند. داده‌های به دست آمده در مرحله پنجم تحلیل عاملی می‌شوند که نتیجه آن تشکیل خوشه‌هایی مشابه و همبسته است. این خوشه‌ها در مرحله ششم نام‌گذاری می‌شوند. روش مرسوم جهت تعبیر و تفسیر عامل‌ها در روش شناسی Q تعمق در عبارات دارای بیشترین و کم‌ترین نمره در آن عامل است. عباراتی که به بهترین وجه باعث تمایز یک عامل از عوامل دیگر شوند در تفسیر آن عامل حایز اهمیت هستند. زیرا، مشخص می‌کنند که یک عامل بر چه اساسی از عوامل دیگر متفاوت است. کار رتبه‌بندی

یک پیامد بیشترین میزان موافقت یا بیشترین میزان مخالفت را داشت را نیز تشریح می‌کردند (نگاره ۱).



نگاره ۱. نمودار مرتب سازی Q

خود نگرش خاصی نسبت به آن نداشتند و معتقد بودند زیاد فرقی به حال آن‌ها نکرده است. ۲۲ درصد باقیمانده نیز معتقد بودند که این طرح با شیوه اجرای فعلی، محیط‌زیست را تخریب می‌کند. آن‌ها درکل، مهم‌ترین مشکل اجرای طرح‌های یکپارچه‌سازی را عدم مشارکت واقعی و فعال کشاورزان در مرحله برنامه‌ریزی می‌دانستند. کشاورزان می‌گفتند کارشناسان خودشان برای زمین‌های کشاورزی که زندگی ما است می‌برند و می‌دوزند و بعدها متوجه می‌شوند که کاش نظرات ما را هم پرسیده بودند. چون ما بهتر از همه می‌دانیم وضعیت زمین‌ها و آب کشاورزی روستا چگونه است.

زمانی که مصاحبه‌ها پایان یافت، داده‌های مربوط به شرکت‌کنندگان جهت تحلیل وارد نرم افزار SPSS شد. ابتدا همبستگی جواب‌های ۳۱ شرکت‌کننده با ترسیم یک ماتریس همبستگی ۳۱ در ۳۱ محاسبه شد. متوسط ضرایب همبستگی محاسبه شده (۰/۳۵) که ضریب بالایی نمی‌باشد) نشان داد که شرکت‌کنندگان از نظر مرتب کردن آثار یکپارچه‌سازی همگن نیستند و در این زمینه دارای اعتقادات متفاوتی می‌باشند و به گونه‌های متفاوتی پیامدها را اولویت‌بندی کرده‌اند.

روش تحلیل عاملی اصلی‌ترین روش آماری برای تحلیل ماتریس داده‌های Q است. به این منظور از روش مولفه‌های اصلی و چرخش به شیوه واریماکس استفاده شد. حاصل، شناسایی سه عامل با مقدار ویژه بزرگتر از یک بود (معمولا ۲ تا ۴ عامل در این روش استخراج می‌شود) (Cuppen et al., 2007). از ۳۱ شرکت‌کننده ۱۳

به این ترتیب هر کدام از پاسخگویان کارت‌های کاغذی خود را درون خانه‌های توزیع نرمال که روی مقوای بزرگی ترسیم شده بود (شبهه نگاره ۱) جای‌گذاری کردند. روایی محتوا بر اساس رتبه‌ای که مشارکت‌کنندگان به عبارات می‌دهند و عبارات مجاور آن بررسی شد. بین محتوای عباراتی که یا بر روی درجه یکسانی از طیف یا بر روی درجه‌های مجاور قرار دارند، تناسب وجود داشت. همچنین روایی صوری با بررسی میزان رضایت مشارکت‌کنندگان نسبت به ظرفیت و قابلیت عبارات برای نشان دادن ذهنیت آنها صورت گرفت تا مشخص گردد آیا عبارات موجود به ابعاد مختلف موضوع تحت بررسی پرداخته‌اند تا آنها بتوانند از طریق مرتب سازی ذهنیت خود را بیان کنند. جهت بررسی پایایی، کارت‌های کیو در اختیار تعدادی از افراد مرتبط با موضوع تحت بررسی که به مشارکت‌کنندگان واقعی نیز شباهت داشتند، قرار گرفت و از آنها خواسته شد مرتب‌سازی را به طور آزمایشی اجرا کنند و دیدگاه‌های آنان نسبت به کم و کیف عبارات دریافت شد.

نتایج و بحث

همان‌گونه که ذکر شد، در طول مرحله مصاحبه با شرکت‌کنندگان جهت مرتب‌سازی Q، سؤالاتی نیز پرسش شد. یکی از پرسش‌ها در مورد نگرش آن‌ها در مورد یکپارچه‌سازی بود. ۵۳ درصد از پاسخگویان یکپارچه‌سازی را در کل طرح خوبی می‌دانستند و معتقد بودند آثار مثبتش بیش از منفی‌ها است. ۲۵ درصد بر اساس تجربه

طیف ۵- تا ۵+) داده‌اند. محتوای این عبارات نشان می‌دهد که افراد این عامل معتقدند یکپارچه‌سازی دارای آثار منفی زیست‌محیطی است. البته این گروه به اکثر آثار زیست‌محیطی یکپارچه‌سازی که اکثراً نیز منفی هستند امتیاز بالایی داده‌اند و بر عکس به آثار اجتماعی که ظاهر مثبتی دارند از قبیل عبارات شماره‌های ۴، ۹، ۱۶، ۱۷، ۲۰ و ۲۱ امتیاز منفی ۴ و منفی ۵ داده‌اند. این نشان می‌دهد که افراد دارای بینش زیست‌محیطی نسبت به یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی با نگرش افرادی که معتقدند یکپارچه‌سازی دارای آثار مثبت اجتماعی است، مخالف هستند. به تعبیری افراد پیرو عامل اول (محیط‌زیست‌گرایان) نه تنها یکپارچه‌سازی را دارای آثار مثبت اجتماعی نمی‌دانند، بلکه آن را مخرب محیط‌زیست کشاورزی دانسته‌اند. اقتصادگرایان که نام عامل دوم را تشکیل دادند کسانی هستند که معتقد به آثار اقتصادی مثبت طرح یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی هستند. مواردی هم چون افزایش درآمد (عبارت ۱۰)، افزایش قیمت زمین‌های کشاورزان (عبارت ۱۳)، کاهش هزینه‌های تولید (عبارت ۷) و هزینه‌های حمل و نقل نهاده‌ها و محصول (عبارت ۱۲) و افزایش سطح زیرکشت (۳۶) به زعم گروه دوم از آثار اقتصادی مثبت یکپارچه‌سازی اراضی هستند. این افراد افزایش تک کشتی شدن را نیز اصل یکپارچه‌سازی می‌دانند که البته این را کمتر با پایداری کشاورزی سازگاری دارد. جدول ۱ نشان می‌دهد که گروه اقتصادگراها آن چنان حساسیتی نسبت به مسایل زیست‌محیطی یکپارچه‌سازی ندارند و اهمیت خاصی برای این آثار قابل نیستند. اکثر آرایه‌های عاملی این افراد برای آثار زیست‌محیطی حول و حوش صفر است که نشان از عدم وجود نگرش خاص یا بی‌اهمیتی نسبت به مسایل زیست‌محیطی یکپارچه‌سازی می‌باشد. این احساس در مورد آثار مثبت اجتماعی نیز قابل مشاهده است (جدول ۱). گروه سوم که اجتماع‌گرایان هستند افرادی می‌باشند که یکپارچه‌سازی را دارای آثار مثبت اجتماعی می‌دانند.

نفر دارای بار عاملی معنادار (بار عاملی بالاتر از ۰/۴۳ به عنوان بارعاملی معنادار در سطح یک درصد شناخته شد. به این منظور عدد ۲/۵۸ در خطای معیار ضرب شد. خطای معیار نیز از طریق معکوس کردن ریشه دوم تعداد عبارات Q به دست آمد) روی عامل اول، ۱۰ نفر روی عامل دوم و ۸ نفر روی عامل سوم بودند. وایانس کل تبیین شده توسط این سه عامل برابر ۷۱ درصد بود که واریانس بالایی محسوب می‌گردد. اگرچه در روش شناسی Q میزان واریانس تبیین شده کمتر مورد نظر می‌باشد (Cuppenet al., 2007).

سه عامل شناسایی شده به عنوان سه وجه نظر مختلف در مورد آثار یکپارچه‌سازی محسوب می‌شود. این عوامل که در اصل دیدگاه‌های موجود در نوع آثار یکپارچه‌سازی هستند بر اساس آثاری که بالاترین اولویت را در هر کدام داشتند و براساس آثار متمایز کننده آن‌ها به اسامی عامل اول: محیط‌زیست‌گراها، عامل دوم: اقتصادگراها و عامل سوم: اجتماع‌گراها نام‌گذاری شدند. دلایل مربوط به این نام‌گذاری‌ها در جدول ۱ که شامل آرایه‌های عاملی هر یک از عبارات Q (که همان ۳۶ پیامد هستند) برای هر یک از سه عامل شناسایی شده قابل مشاهده است. نحوه محاسبه آرایه‌ها به این ترتیب بود که پس از محاسبه بارهای عاملی و شناسایی عامل‌ها، نمرات عاملی عامل‌ها برای تک تک ۳۶ پیامد محاسبه و به فایل داده‌ها اضافه شد. به عبارتی سه متغیر که شامل نمرات عاملی سه عامل بودند به ستون‌های فایل داده‌ها اضافه گردید و سپس با استفاده از دستور رتبه دهی (Rank)، نمرات هر عامل از ۵- برای کمترین نمره تا ۵+ برای بیشترین نمره (رجوع کنید به شکل ۱) مرتب شد. بر این اساس می‌توان تشخیص داد که طرفداران هر دسته برای چه آثاری اهمیت و اولویت بالا و برای چه آثاری اولویت پایین قایلند. همان‌گونه که اظهار شد عامل اول به محیط‌زیست‌گرایان تعبیر شد. علت این نام‌گذاری این بود که با توجه به جدول ۱، افرادی که در این عامل جای گرفتند بر اساس نمرات و آرایه‌های عاملی، به عبارت‌های شماره ۲۴، ۲۸، ۲۹ و ۳۵ نمرات ۴ و ۵ (از

جدول ۱- آرایه‌های عاملی عبارت‌های Q (پیامدها) بر روی هر یک از عامل‌ها

ردیف	عبارت (پیامد)	آرایه عامل اول	آرایه عامل دوم	آرایه عامل سوم
۱	سرمایه‌گذاری کشاورزان در زمینه کشاورزی زیاد شده است.	-۱	۲	۲
۲	الان می‌شود از تمام قطعات اراضی استفاده کرد	۱	۳	۲
۳	قیمت زمین کشاورزان افزایش یافته است	۱	۳	۱
۴	بیکاری در روستا کاهش یافته است	-۴	-۱	۲
۵	استفاده‌ی مناسب از زمین می‌شود	۱	۲	۳
۶	استفاده بهینه از آب می‌شود	۲	۲	۳
۷	هزینه‌های کاشت، داشت و برداشت کاهش یافته است	۲	۴	۱
۸	مصرف کودهای شیمیایی افزایش یافته است	۳	۲	۰
۹	برای مشغول شدن در مشاغل پاره وقت وقت بیشتری داریم	-۴	۳	۴
۱۰	درآمد کشاورز نسبت به قبل بیشتر شده است	-۳	۵	۳
۱۱	کشاورزان از بذره‌های اصلاح شده بیشتر استفاده می‌کنند.	-۱	۰	۱
۱۲	هزینه‌ی حمل و نقل کاهش یافته است	۲	۴	۲
۱۳	خرید و فروش زمین افزایش یافته است	۳	۳	۲
۱۴	دارایی‌های کشاورز افزایش یافته است	-۲	۵	۳
۱۵	تعدادجانورانی که قبلاً در اطراف روستا دیده می‌شدند کاهش یافته است	۲	۰	-۱
۱۶	رقابت مثبت بین کشاورزان افزایش یافته است	-۵	-۳	۴
۱۷	روحیه‌ی همکاری و مشارکت کشاورزان افزایش یافته است	-۵	-۳	۲
۱۸	منازعات و اختلافات بین کشاورزان کم شده است	۲	۲	۵
۱۹	میزان محصول در هکتار افزایش یافته است	۲	۴	۱
۲۰	مهاجرت به شهرها کم شده است	-۴	-۲	۴
۲۱	اشتغال کمتر جوانان به مشاغل کاذب	-۴	-۱	۱
۲۲	از بین رفتن پرچین‌ها و بوته‌زارها افزایش یافته است	۳	-۱	۰
۲۳	حاصل‌خیزی خاک کم شده است	۲	-۱	-۱
۲۴	شسته شدن و خراب شدن خاک افزایش یافته است	۵	-۲	-۲
۲۵	لانه‌گذاری حیوانات در اطراف مزرعه کم شده است	-۱	-۳	-۳
۲۶	محل آشیانه‌سازی جانوران تغییر یافته است	۳	-۱	۰
۲۷	مسیر مهاجرت پرندگان و حیوانات تغییر یافته است	۱	-۵	۰
۲۸	تک‌کشتی شدن کشاورزی افزایش یافته است	۳	۵	۴
۲۹	کوبیده و سفت شدن خاک و کم شدن نفوذ آب در خاک افزایش یافته است	۴	۱	-۴
۳۰	سنگ ریزه، لکه‌های سفید و روشن و خرابی خاک افزایش یافته است	۳	۱	-۳
۳۱	آب‌های زیر زمینی کم شده است	۰	۱	-۵
۳۲	مسیر رودخانه‌ها تغییر یافته است	۱	۰	-۵
۳۳	مسافران فصلی به دلیل مسایل زیست‌محیطی کم شده اند	۰	۱	-۵
۳۴	استفاده‌ی از ماشین‌آلات افزایش یافته است	۲	۳	۲
۳۵	مصرف سم و علف‌کش افزایش یافته است	۵	-۱	-۲
۳۶	سطح زیر کشت افزایش یافته است	۳	۴	۲

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این مطالعه از روش‌شناسی Q جهت آشکار کردن دیدگاه‌های مختلف کشاورزان در مورد یکپارچه‌سازی اراضی بهره‌گرفت. با توجه به یافته‌ها سه دیدگاه متفاوت در رابطه با یکپارچه‌سازی اراضی در بین کشاورزان آشکار شد. بنابراین کشاورزان با توجه به دیدگاه‌شان به سه گروه محیط‌زیست‌گرایان، اجتماع‌گرایان و اقتصادگرایان تقسیم‌بندی شدند. یافته‌ها بیانگر این است که یکپارچه‌سازی اراضی می‌تواند آثار اجتماعی، اقتصادی و زیستی مثبت و منفی داشته باشد. دیدگاه برجسته‌ای که در این مطالعه آشکار شد، دیدگاه کشاورزان محیط‌زیست‌گرا است که در مطالعات پیشین در رابطه با یکپارچه‌سازی اراضی کمتر به آن توجه شده است. در اکثر مطالعات از آنجا که از روش‌های پیمایشی استفاده شده است، محققان بر اساس فرضیات خود تنها به دنبال آثار و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی بوده‌اند. در حالی که در روش‌شناسی Q داستان کاملاً متفاوتی وجود دارد و محقق به دنبال واقعیتی می‌باشد که در پشت ذهن پاسخ‌گو وجود دارد و نتیجه آن شناسایی نگرش‌ها و دیدگاه‌های جدید پاسخگویان در مورد یک موضوع است. روش‌شناسی Q بیشتر مطالعه‌ای اکتشافی است تا تأییدی، و نتایجی که به دست می‌آید راه را برای تحقیق و بررسی بیشتر می‌گشاید (Donner, 2001). در ادامه هر کدام از دیدگاه‌ها بیشتر شرح داده می‌شود. گروه اول کشاورزان اقتصادگرا هستند، آنها افرادی هستند که معتقدند یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی توانسته است آثار مثبت اقتصادی را به وجود آورد. آنها معتقدند طرح یکپارچه‌سازی باعث افزایش درآمد، افزایش قیمت زمین‌های زراعی، کاهش هزینه‌های تولید و هزینه‌های حمل و نقل نهاده‌ها و محصول و افزایش سطح زیرکشت می‌گردد.

آنها بر این باورند که یکپارچه‌سازی به علت آزادکردن مقداری از وقت کشاورزان، باعث رونق اشتغال پاره وقت در مشاغل غیرزراعی می‌شود (عبارت ۹)، رقابت مثبت را در بین کشاورزان افزایش می‌دهد (عبارت ۶)، درگیری‌های کشاورزان به علت مسایل مربوط به توزیع آب و زمین کاهش می‌یابد (عبارت ۱۸) و به دلگرم شدن کشاورزان و ماندن آنها در روستا کمک می‌کند (عبارت ۴)، در حالی که کمکی به افزایش روحیه مشارکت کشاورزان نمی‌کند (عبارت ۱۷). البته شاید اصولاً چنین هدفی از یکپارچه‌سازی مورد انتظار نباشد. این گروه همانند گروه اقتصادگرایان نیستند که گرایش خاصی نسبت به آثار زیست‌محیطی یکپارچه‌سازی نداشته باشند. بلکه برعکس معتقدند که این طرح آثار منفی زیست‌محیطی ندارد. آنها با اکثر آثار منفی زیست‌محیطی یکپارچه‌سازی موافق نیستند و اعتقادی به آنها ندارند. آرایه‌های عاملی عبارت‌های ۲۹، ۳۱، ۳۲ و ۳۳ گویای این نتیجه است. لکن نسبت به آثار اقتصادی یکپارچه‌سازی بدبین نبوده و تا حدودی ایجاد آنها را محتمل می‌دانند و تقریباً نسبت به آثار مثبت اقتصادی موجود، نظر مثبت البته نه قوی و بسیار قوی دارند (رجوع کنید به عبارت‌های ۲، ۳، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ جدول ۱). جدول ۲، همبستگی موجود بین نمرات عاملی را نشان می‌دهد. هرچه همبستگی بین دو عامل بیشتر باشد دو دیدگاه مربوطه به هم شبیه‌تر هستند. بر اساس جدول ۲، تنها دو عامل دوم و سوم دارای رابطه مثبت و معنی‌داری (۰/۳۵) هستند. بنابراین می‌توان گفت که دیدگاه‌های اقتصادگرایان و اجتماع‌گرایان نسبت به آثار یکپارچه‌سازی اراضی تقریباً به هم نزدیک است. ولی شباهتی بین دیدگاه‌های محیط‌زیست‌گرایان با اجتماع‌گرایان و اقتصادگرایان وجود ندارد.

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین نمرات عاملی عامل‌ها

عامل اول (محیط زیست‌گرا)	عامل دوم (اقتصادگرا)	عامل سوم (اجتماع‌گرا)
عامل اول (محیط‌زیست‌گرا)	۱	-۰/۰۴
عامل دوم (اقتصادگرا)	-۰/۰۱	۱
عامل سوم (اجتماع‌گرا)	-۰/۰۴	۰/۳۵

برنامه یکپارچه‌سازی اراضی بیشتر از دیگر آثار آن توجه دارند. آنها معتقدند اجرای این طرح آثار منفی زیست‌محیطی را در پی دارد. آنها با نگرش افرادی که معتقدند یکپارچه‌سازی دارای آثار مثبت اجتماعی است، مخالف هستند. به تعبیری آنها نه تنها یکپارچه‌سازی را دارای آثار مثبت اجتماعی نمی‌دانند، بلکه آن را مخرب محیط‌زیست کشاورزی دانسته‌اند. آنها معتقدند که این طرح باعث تخریب بافت خاک، شسته شدن مواد مؤثر خاک می‌شوند و استفاده از سموم و علف‌کش‌ها در مزارع را افزایش می‌دهند. تجارب کشورهای غرب اروپا و هم‌چنین اسلوانی نشان می‌دهد که یکپارچه‌سازی اراضی منحصرأً به افزایش بهره‌وری بدون در نظر گرفتن جنبه‌های زیست‌بوم شناختی تمرکز کرده است و به سادگی منجر به پیامدهای منفی شده است. یافته‌های مطالعات دیگر (Lisec *et al.*, Lisec & Pintar, 2005; 2005) نیز این نتایج را تأیید می‌کنند. در همین رابطه منته‌زاده و زمانی (۱۳۹۱) معتقدند هنجارهای اخلاقی نقش تعیین‌کننده‌ای در نگرش زیست‌محیطی و تمایل کشاورزان به انجام رفتارهای زیست‌محیطی دارند. بنابراین با تقویت آموزه‌های اخلاقی در کشاورزان از طریق آموزش‌های مربوطه می‌توان انتظار داشت که نگرش مساعدتری نسبت به حفظ محیط‌زیست در کشاورزان ایجاد شده و تمایلات آنها را به سوی انجام رفتارهای زیست‌محیطی سوق داد. همانطور که نتایج نشان می‌دهد تمام کشاورزان دارای دیدگاهی متجانس و همسو در مورد یکپارچه‌سازی اراضی نمی‌باشند بلکه، کشاورزان معتقدند یکپارچه‌سازی اراضی می‌تواند آثار متفاوتی را به دنبال داشته باشد. بنابراین متولیان اجرای طرح یکپارچه‌سازی لازم است به دیدگاه‌های هر سه گروه از کشاورزان توجه داشته باشند لذا پیشنهاد می‌شود:

- برای اجرای پروژه‌ای چنین عظیم و موثر در کار و زندگی مردم منطقه لازم است جلساتی همراه با کشاورزان هدف برگزار شود تا نخست تمام جوانب کار را دقیقاً سنجید و مسأله را از جنبه‌های مختلف فنی-اقتصادی و اجتماعی مطالعه کرد. چرا که دستیابی به اهداف اقتصادی

دیدگاه این گروه از کشاورزان همسو با نتایج مطالعات دیگر همسو است (Besley & Burgess, 2000; Banerjee & Besley, 2000; *et al.*, 2002; Boyce *et al.*, 2005 Burgess & Kizilaslan, 2002) ، است که به بررسی آثار اقتصادی اجرای یکپارچه‌سازی اراضی پرداخته‌اند و پیشنهاد می‌کنند که یکپارچه‌سازی اراضی باعث افزایش بهره‌وری کشاورزی، کاهش فقر و رونق اقتصادی می‌شود. این گروه از کشاورزان به آثار و پیامدهای زیست‌محیطی توجه ندارند و تنها به دلیل مزیت‌های اقتصادی نگرش مثبتی نسبت به اجرای این طرح دارند. بنابراین این گروه از کشاورزان تنها زمانی نوآوری‌ها را می‌پذیرند و از برنامه‌های جدید حمایت می‌کنند که سود و مزیت اقتصادی داشته باشد. کشاورزان اجتماع‌گرا، کسانی هستند که به اثرات اجتماعی برنامه یکپارچه‌سازی اراضی توجه دارند. آنها معتقدند طرح یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی باعث رونق اشتغال پاره وقت، رقابت مثبت، کاهش درگیری‌های کشاورزان به علت مسایل مربوط به توزیع آب و زمین و دلگرم شدن کشاورزان و ماندن آنها در روستا می‌شود. آنها با اکثر آثار منفی زیست‌محیطی یکپارچه‌سازی موافق نیستند و اعتقادی به آنها ندارند. البته نسبت به آثار اقتصادی یکپارچه‌سازی بدبین نبوده و تاحدودی ایجاد آنها را محتمل می‌دانند و تقریباً نسبت به آثار مثبت اقتصادی موجود، نظر مثبت دارند. گور و همکاران (2003) نیز معتقدند اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی مشکلات مربوط به مالکیت را کاهش می‌دهد و باعث بهبود شرایط زندگی نواحی روستایی و در نتیجه ماندن کشاورزان در روستا می‌گردد. همچنین طی مطالعه‌ای که وو و همکاران (2005) در مورد آثار یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که در طی یکپارچه‌سازی، جایگزینی سرمایه به جای کار تسهیل می‌شود که در نتیجه آن بهره‌وری نیروی کار افزایش یافته و کشاورزان وقت آزاد بیشتری پیدا خواهند کرد تا به اشتغال پاره وقت بپردازند. بنابراین این یافته‌ها نیز دیدگاه این گروه از کشاورزان را تأیید می‌کند. سومین گروه، کشاورزان محیط‌زیست‌گرا هستند. آنها به آثار زیست‌محیطی اجرای

پروژه به قیمت فراموشی هدف‌های توسعه‌ی انسانی، جای نگرانی دارد.

- از آنجا که کشاورزان با دیدگاه اقتصادگرا تنها جمعیت مخاطب برنامه یکپارچه‌سازی اراضی را تشکیل نمی‌دهند لذا باید یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در بلندمدت مورد توجه قرار گیرد و آثار اجتماعی و زیست‌محیطی آن نیز مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد در غیر این صورت، این طرح، حمایت دو گروه از کشاورزان اجتماع‌گرا و زیست‌گرا را از دست خواهد داد.

- به برنامه‌ریزان و مسئولان طرح یکپارچه‌سازی اراضی توصیه می‌گردد جهت آگاهی و متقاعد کردن کشاورزان جهت انجام این طرح تنها به بیان مزایای آن اکتفا نکنند بلکه معایب طرح را نیز برای کشاورزان شرح دهند تا بدین وسیله هم اعتماد کشاورزان را جلب نمایند و هم بقای طرح را تضمین کنند.

- همچنین، انجام تحقیقاتی از سوی برنامه‌ریزان در زمینه اثرات منفی پراکندگی اراضی در توسعه کشاورزی و روستایی و نیز مقایسه این پیامدها در واحدهای مختلف بهره‌برداری در مناطق مختلف کشور ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- ابراهیمی، م. ص.، کلانتری، خ.، اسدی، ع.، موحد محمدی، ح.، و صالح، ا. (۱۳۸۹). تحلیل طرح تجهیز و نوسازی اراضی شالیزاری از دید کارشناسان، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۲-۴۱(۳)، ۲۹۹.
- ابولقاسمی، رحمت ا. (۱۳۷۸). «یکپارچه سازی زمین‌های کشاورزی». معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی. دفتر مطالعات و برنامه ریزی.
- احمدی، ع.، و ا. امینی. (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر تقاضای اجرای طرح‌های یکپارچه سازی زمین‌های کشاورزی از دیدگاه کارشناسان شهرستان کرمانشاه و منطقه لنجان اصفهان. مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، دوره یازدهم، شماره چهل و دوم، ص ۲۹۱-۲۸۳.
- ازکیا، م. (۱۳۷۴). مقدمه ای بر جامعه‌شناسی توسعه‌ی روستایی. تهران. نشر اطلاعات. چاپ سوم.
- بقایی، م.، چیدری، م.، پزشکی راد، غ.، و فعلی، سعید. (۱۳۸۷). عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت روستائیان حوزه آبخیز زرچشمه هونجان در طرح های آبخیزداری، فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، دوره چهارم، شماره اول، ص ۷۵.
- توسلی، م. (۱۳۷۸). بررسی تاثیر عملیات نوین، تجهیز، نوسازی و یکپارچه سازی اراضی در شالیزارهای سنتی استان مازندران بر عملکرد تولید برنج، پایان نامه کارشناسی ارشد، مرکز آموزش مدیریت دولتی، منطقه شمال.
- خوشگویان فرد، ع. (۱۳۸۶). روش شناسی کیو. تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات.

- تجربیات گذشته حاکی از آن است که چنانچه کشاورزان، با رضایت کامل طرحی را نپذیرند، به انحای گوناگون مخالفت خود را ابراز داشته، نه تنها در پیشبرد کار مشارکت نمی‌کنند، بلکه کارشکنی نیز خواند کرد. لذا توصیه می‌شود در اجرای یکپارچه‌سازی اراضی علاوه بر لحاظ نمودن شرایط اقلیمی و منطقه‌ای و نوع کشت، به نظریات کشاورزان توجه کافی مبذول دارند. مطمئناً توجه به نظریات کشاورزان، باعث مشارکت فعالانه آنها در اجرای طرح و کاهش هزینه‌های دولت، پایداری و تداوم اجرای طرح، پیشرفت سریع طرح و عدم بروز مسائل اجتماعی خواهد شد.

و در نهایت با توجه به مزیت‌های روش Q نسبت به روش‌های پیمایشی پیشنهاد می‌گردد:

- بهتر است در مطالعات بعدی که هدف اصلی محقق کشف الگوهای ذهنی پاسخگویان می‌باشد از روش‌شناسی Q استفاده شود.

- همچنین می‌توان از روش‌شناسی Q جهت انتخاب مشارکت‌کنندگان در انجام تحقیقات استفاده کرد زیرا این روش کمک می‌کند تا افراد با دیدگاه‌های متفاوت در تحقیق مشارکت داشته باشند.

کلانتری، خ.، حسینی، م.، و عبدالله زاده، غ. (۱۳۸۴). ساماندهی و یکپارچه سازی اراضی کشاورزی با استفاده از تجارب کشورهای اروپای شرقی، فصلنامه روستا و توسعه، دوره هشتم، شماره سوم، ص ۱۰۴-۶۷.
منتی زاده، م.، و زمانی، غ. (۱۳۹۱). تدوین مدل رفتار زیست‌محیطی زارعان شهرستان شیراز، فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، دوره هشتم، شماره دوم، ص ۷۳.

- Banerjee, A.V., Gertler, P.J., Ghatak, M. (2002). Empowerment and efficiency: tenancy reform in West Bengal. *Journal of Political Economy*, 110(2): 239-280.
- Besley, T., R. Burgess. (2000). Land reform, poverty reduction, and growth: evidence from India. *Quarterly Journal of Economics*, 115(2): 389-430.
- Boyce, K., Rosset, P., Stanton, A. (2005). Land reform and sustainable development. This paper was prepared for PERI's Natural Assets Project (<http://www.umass.edu/peri/programs/development/naturalassets.htm>).
- Brown, S. R. (1980). *Political subjectivity: applications of Q Methodology in political science*. Yale University Press, New Haven and London.
- Clarke, A. H. (2002). Understanding sustainable development in the context of other emergent environmental perspectives. *Journal of Policy Sciences*, 35:69-90.
- Cuppen, E., Breukers, S., Hisschemoller, m., Bergsma, E. (2010). Q methodology to select participants for a stakeholder dialogue on energy options from biomass in the Netherlands. *Ecological Economics*, 69(3): 579-591.
- Davies, B.B., Hodge, I.D. (2007). Exploring environmental perspectives in lowland agriculture: a Q methodology study in East Anglia, UK. *Ecological Economics*, 61: 323-333.
- Deininger, K. (2003). *Land Policies for Growth and Poverty Reduction*. World Bank Policy Research Report, Oxford University Press, UK.
- Donner, J. C. (2001). Using Q Sorts in participatory processes: an introduction to the methodology. *Social Development Papers*, 36: 24-49
- Dorner, P., Thiesenhusen, W.C. (1990). Selected land reforms in East and Southeast Asia: their origins and impacts. *Asian-Pacific Economic Literature*, 4(1): 65-95.
- Ellis, G., Barry, J., Robinson, C. (2007). Many ways to say 'no', different ways to say 'yes': applying Q-methodology to understand public acceptance of wind farm proposals. *Journal of Environmental Planning and Management*, 50, 517-551.
- Gajendra, S., Nirola, G. [Gopal, B.](#) Thapa, G. (2005). Impact and causes of land consolidation in south Asia. *Journal of Land Use policy*. 22(2005): 358-372.
- Gonzales, G. I. (2007), "Land consolidation in Spain: the land registry perspective. Effective and sustainable land management- A permanent challenge for each society". UNECE WPLA Workshop, Session III Social and Constitutional Dimension of Land Management, Munich, May 24-25.
- Gur, M., Cagdas, V., Demirel, Z. (2003). *Land Consolidation as a Tool of Rural Sustainable Development*, 2nd FIG Regional Conference Marrakech, Morocco, December 2-5, 2003.
- Hartvigsen, M. (2005). Land Consolidation Pilot Projects in Eastern Europe. *International land consolidation conference*. Budapest, Hungary, December 1th-2th.
- Hartvigsen, M. (2008). *Implementation of land re-parceling pilots in six villages (Moldova land re-parceling pilot project)*. Mid-term report. May, 2008. MAIA. Chisinau. Moldova.
- Khoshgooyanfar, A. (2007), *A Q-methodology*, Tehran, Research Center of Islamic Republic of Iran Broadcasting (IRIB).
- Kizilaslan, N., Almus, S. (2002). Research on the determination of the socio-economic factors affecting the farmers' behavior in adopting land consolidation implemented in Guzelbeyli town in Zile County, Tokat Province. *Turk J Agr Fores*, 26: 101-108.
- Kopeva, O. Noev, N. (2001). *Aspect of land consolidation after the Bulgarian land reform*. Available online at: <http://www.ingentaconnect.com>
- Lerman, Z., Cimpoies, D. (2006) Land consolidation as a factor for rural development in Moldova. *Europe-Asia Studies*, 58(3): 439-455.
- Lerman, Z., Shagaida, N. (2007) Land policies and agricultural land markets in Russia. *Land Use Policy*, 24(1): 14-23.

- Lisec, A. Pintar, M. (2005). *Conservation of natural ecosystems by land consolidation in the rural landscape*. University of Ljubljana, Biotechnical Faculty Agronomy department:73- 82
- Lisec, A., Cerjak, M., Pintar, M. (2005) .The influence of the land consolidation on the ecological elements in the rural landscape. *The 6th International conference "Environmental Engineering"*. Vilnius, Lithuania, May 26th-27th. Proceedings CD. ISBN 9986-05-858-9.
- Maghsoudi, T., Abdollahzadeh, Gh., Sharifzadeh, A. (2008). A farmers oriented methods to evaluating priorities for land Consolidation. *Technology and Innovation for Sustainable Development Conference (TISD2008)*, Faculty of Engineering, Khon Kaen University, Thailand, 28-29 January 2008.
- Moene, K.O. (1992). Poverty and landownership. *American Economic Review*, 82(1): 52–64.
- Oldenburg, Philip. (1990), Land consolidation as land reform, in India. *World Development*. 18(2), 183-195.
- Robbins, P., Krueger, R. (2000). Beyond bias? The promise and limits of Q method in Human geography. *Professional Geographer*, 52: 636–648.
- Swedeen, P. (2006). Post-normal science in practice: a Q study of the potential for Sustainable forestry in Washington State, USA. *Ecological Economics*, 57: 190–208.
- Vitikinent, A. (2004). An overview of land consolidation in Europe. *Nordic journal of surveying and real Estate research*. 1:25-43.
- Weber, T., Tuler, S., Krueger, R. (2001). What is a good public participation process? Five perspectives from the public. *Environmental Management*, 27: 435–450.
- Wolsink, M. (2004). Policy beliefs in spatial decisions: contrasting core beliefs concerning space making for waste infrastructure. *Urban Studies*, 41: 2669–2690.
- Wu, Z., Liu, M., Davis, J. (2005), Land consolidation and productivity in Chinese household crop production, *China Economic Review*, 16: 28-49.

Exploring Attitudes towards Land Consolidation Impacts in Kermanshah Province: An Application of Q- Methodology

A. AliBaygi*, and R. GhambarAli¹

(Received: Jul, 16. 2013; Accepted: Jun, 9. 2014)

Abstract

Land fragmentation, as one of the structural elements of traditional agriculture, has become a major obstacle for agricultural development. Consolidation is a logical strategy for reducing the negative impacts of land fragmentation. Implementing land consolidation has some associated impacts. The main purpose of this study was to describe how farmers perceive the impacts of land consolidation by using Q-methodology. By purposeful sampling, 31 farmers were selected to participate in research. Participants were asked to rank 36 statements that were considered as the main impacts of land consolidation. Findings showed, farmers have different attitudes towards the impacts of land consolidation. In other words, they evaluate these impacts in different ways. Fifty-three percent of farmers had a positive attitude toward land consolidation, but 22 percent believed that this project has negative impacts on environment. According to farmers' belief, the most important problem of land consolidation is the lack of their participation in planning stage. Q methodology revealed that three different attitudes toward the impacts of land consolidation including environmentalists, economists, and socialists.

Keywords: Land Consolidation, Q-Methodology, Land Fragmentation, Agricultural Development.

1- Associate Professor, and PhD student, Dept. of Agricultural Extension and Education, College of Agriculture, Razi University, Kermanshah, Iran, Respectively.

* -Corresponding Author, E-mail: baygil@razi.ac.ir.